



با کدامیک باید مبارزه کرد اماکن فساد ، یا عوامل فساد !

سروشك از رحيم پاك كردن چه حاصل ؟
علاجی بكن كردلهم خون نیاید !

خانواده‌ها به کافه‌های تهران احترام می‌کنند و می‌گویند عده‌ای از این کافه‌ها و کما غلب پاتوق حیوانات کم‌سن و ساله است به هم می‌آمیزد عاشقانه ! محل توزیع «هر وئین» و مواد مخدره و دیگر تبدیلی شده به بهترین مایات زندگی پسران و دختران جوان ما را نابود می‌سازد . بعد از مبارزه با پستی از کل‌های منحل نظریات سالم ؛ اینکه نوبت این کافه‌هاست . . .
* مدیران کافه‌ها نظیر را بگردن جوانها میانند و می‌گویند اگر کافه منحل خوبی نیست این جوانها هستند که آنها را با این صورت در آورده اند و ما را بوشکتگی میکشاند .
* پلیس تهران بدنبال کشف دو کافه که مرکز فساد شده بود اعلام کرد مبارزه با اماکن فساد که سلامت جامعه و نسل جوان را تهدید میکند ادامه خواهد یافت .

* دادستان تهران گفت که پستی و دو کافه ، گناه نیست باید در این زمینه ، مبارزه دائمی و آغاز کرد .
* رئیس سازمان تربیت بدنی اظهار داشت اینک با آنکه گناشتن روی یکی دیگر از زخمهای جامعه و ذک خنجر بسا در آمده است ، این زندگی همداری است به همه !
و چرا که سر تهران

در هفته‌های اخیر مسأله توسعه و گسترش فساد در تهران و تبدیل اماکن عمومی به اماکن فساد ، موضوع بحث غالب محافل بود .
از جمله‌های بالا بجز این پیدا است که مسئله توسعه فساد در اجتماع کنونی ما و تبدیل سریع ورود افزون اماکن عمومی و ساده ، به دلانه‌های ننگ و فساد ، که موجب بیای نسل جوان

میشود . قوی است که چنگلی بر آند ، بداد و مادران ، پلیس ، دادستان ، رئیس سازمان تربیت بدنی ، حتی خود صاحبان کافه‌ها ؛
و پایین ترتیب بنظر میرسد که « منبر و کبیر » این حقیقت تلخ و دردناک را دریافته و خطر را در چنگل قدمی خود احساس نموده اند .

یکی میگوید : ادوکتی‌های « پسران » باین کافه‌ها باز شد دیگر نه درس می‌خواند و نه مطالعه میکنند ، او که سابقاً شاگرد معناری بود و با نمره‌های عالی قبول میشد اما سال با نمرات خجالت آوری مرود شده است !
دیگری می‌نویسد : « دختر هفده ساله ، دو ستم تا کنون چند بار بزحمت ترك اعتیاد کرده ولی متأسفانه باز در همین مراکز می‌واد مخدر معتاد شده ، و نمیدانم هزینه سنگین این اعتیاد خود را از کجا بدست می‌آورد !!!

خلاصه بود این آتش در چشم همه خانواده‌ها ، منتها هر کدام بصورتی ، رفته است و مثل این گمنامی است سگبلی که بر اثر مشاهده قریبانیان این راه بر منزها وارد شده بیک حالت « شبهه - یواری » البته نه یاری کامل ، در غالب طبقات ، اعم از کسانی که علاقه مند به بیانی مذهبی و اخلاقی هستند کسانی که نیستند ایجاد نموده است .

جای تعجبم نیست ، زیرا بدینجهتها و رسوائیهائی که از این رهگذرانمگیر خانواده‌ها میشود فکر جنبه « فائز و ندارد ، سخن از « فلسفه‌های اجتماعی » و تجزیه و تحلیل‌های « شوخی » در باره عواقب شوم این شر ز زندگی در میان نیست ، بلکه همه با چشم خود شعله‌های آتش سوزانی را که در پیش روی آنهاست می‌بینند ، و حرارت و سوزش آنها احساس میکنند .

احساس میکنند که هستی فرزندان شان در کام این شعله‌های فساد پهلرز و حشمتناکی نابود میشود ، و نکته‌های ننگی که گاه نا پایان عمر با هیچ وسیله‌ای قابل شستو نیست بر دامان زندگی آنها می‌نویسد .

موضوع این مطلب در این دو دهه در میان بسیاری از طبقات گفتگو از پیدا کردن یک راه حل سریع و عاجل است که بتواند برای این زخمهای جانکاه ، مرهمی بگذارد . اما متأسفانه چنین راه حلی کمتر برای آیتگو به مسائل وجود دارد .

* * *

نه تنها در این مسأله بلکه اسولاد تمام مسائل اجتماعی نخستین راه ، و گاهی تنها راه حلی که بنظر افراد عادی میرسد هجوم به محل زخم و کوبیدن میکر بهائی است که در آنجا جمع شد .

اینها طرفداران حدی مبارزه قاطع و بی رحمانه با اینگونه اماکن فساد است ، شبیخون زدن ، تعطیل کردن ، و سپس پرونده قطوری بر زیر بنل صاحبان آنها دادن ، و بداد گاه روانه کردن ، و از آنجا بزحمت فرستادن یا ایجاد اتیاد دیگر (و سپس آزاد شدن و کار و با تجربه و دوباره پیشی بیشتری از سر گرفتن) . . . اینست خلاصه برنامه اصلاحی آنها .

البته همه آنها (یعنی بندها) که تکبیک آیم کار مشکلی است) در جای خود لازم و واجب است ، ولی باید توجه داشت اگر تمام مواد این برنامه قرصاً بطرز صحیحی اجرا شود (که در شرایط کنونی اجتماع ما از حضرت قبل هم ساخته نیست) تازه بکله اثر آن و کاملاً موقتی دارد .

زیرا در تنظیم این برنامه از یک نکته اساسی و کاملاً غفلت شد است و آن اینکه : اینگونه میارزیم راه حل خوبی برای زخمهای موضعی است که بر اثر اجتماع یک دسته میکرب فساد در محل زخم ، بوجود آمده ، و پایکله میکرب کش قوی میتوان آنها را نابود ساخت . ولی بدیهانه در زخمهای اجتماعی و غالباً اینچنین نیست ، سرچشمه آنها در دل جامعه و در اعماق اجتماع باید جستجو کرد ، چرا که فساد که از این زخم بیرون میریزد ساخته محل زخم نیست ، بلکه از زخمهای جزئی که در درون جامعه است تراوش میکند .

همین دلیل هنگامیکه یک دسته از میکربها را که در محل زخم جمع شده است از بین ببریم فردا یک دسته دیگر از طریق همان عروق که به محل زخم منتهی میشود جایگرفته اول را میگیرد ، و این ترتیب غدههای حرکتی را تماماً دسته دسته میکرب ساخته و در واقع محل زخم میکند بنابراین اثر درمانهای موضعی یک اثر کاملاً موقت (بقدری که دسته دوم جایگرفته اول را بگیرند) میباشد و تا حدی این اثر هم از بین برود زیرا میکربها در برابر عوامل ناپدید کننده بدرجهای مخصوصیت پیدا میکنند .

اینجاست که باید دست یک مبارزه اصولی و اساسی از درون زد ، و این غدههای حرکتی را از هم و تلاشی و ساخت ، تنها این نوع مبارزه است که میتواند اثر اطمینان بخش و پایداری داشته باشد .



کافه های تهران ، و بسیاری از شهرهای دیگر ، زخمهایی هستند که بجای دست گذاشتن روی آنها باید دست روی غده های چرخین درونی این اجتماع گذاشت که فساد و چراغ این کافهها از آنها تراوش میکند ، باید ناله نیز میارزید و توجه آنها کرد و نخست آنها را از هم متلاشی ساخت .

اگر داستان تهران میگویند بستن دو کافه کافی نیست ، ما میگوئیم بستن دوهزار و اندک این اماکن فساد نیز کافی نخواهد بود ، و اگر بایستی برای پیدا کردن و باسلاح و کشف و این دو مرکز متحمل زخمی شده ، پیدا کردن غده های اصلی فساد هیچ زخمی ندارد زیرا کاملاً عکسوفی است .

بنابر این اگر راستی بنا هست میارزید اساسی و شریکیتی شود ، و منظور تشریفات و بیخه های فعلی و موسمی نباشد باید مبارزه را نخست از این نقطه شروع کرد .

سرینشتر بگوئیم غده های حرکتی و سرچشمه اصلی فساد ، این منظر عادت منبذ و بعد آموزه .

این فیلمها ، این آزادیهای بندوبار ، و این طرز لباس پوشیدن دختران و زنان و امور دیگری از این قلم است .

متنگامیکه مطوعات که نقش زهیری جوانان را بعهده دادند تمام صحبت از مسائل سکسی طرز تشکیل پارتیه های خصوصی و کاملاً محرمانه ، گرگ فرزند و پوی فرند ، طرز متنگ پرانی دختران با پسران و بالعکس ! میکنند و کارشان تشکیل جشنهای کذائی بافتن خواتندگان خود و ترتیب رقصهای دسته جمعی پسران و دختران که بقول و ناظران امور سکسی ؛ تغییر آن تا کنون دیده نشده میباشد ، و حتی هنگامیکه خبرنگاران آنها از جلسات امتحان ورودی دانشگاه دیدن میکنند سراغ مسائل جنسی میرود و سعی دارد در عکس که از این صحنه علمی و فرهنگی بر میآورد حتماً عکس رانهای لخت دختر با اصطلاح دانشجویی که دامن کوتاه پوشیده خود ، قلمی کند .

و هنگامیکه بتول جرائد کلاسیهای بعضی از دبیرستانهای دخترانه بصورت سالن مد و زیبایی درآید و دانش آموزان و خانم دبیر با هم مسابقه و مسد و بگذارند و اگر از طرف فرهنگه هفتی برای تعریف این وضع برداشته شود و مقدراتی برای لباس دختران دانش آموز قرار داده شود یا از طرف همان منبروات مورد حمله قرار گیرد .

و تا موقتی که به پهنای سینما یا به جان انگیز ترین و شرم آورترین و زنده ترین صحنه های عشق بازی که و پیران با راسا و را نیز تحریر میکند ، با نش غریزه جنسی جوانان دامن میزند .

و تا موقتی که جمعی از دختران و زنان با لباسهایی که مخصوص موقع خواب است در روز روشن در کوچه و خیابان در میروند ...

آری تا موقتی که وضع چنین است مبارزه با کافه های تهران و امثال آن

بیمه حاصل و بالا اقل بسیار کم نتیجه است

اگر راستی بنا عادت منبذ برداشته شود ، باید از اینجا شروع کرد ، اگر هم شوخی است

مخاطبانی نداریم .

پدران و مادران هم نیز نباید هنگام انحراف و سقوط فرزندان خود در کام بدبختی و فساد و امتیاد و بیمه بوده ، ناله سر دهند ، آنها که حاضر نیستند وظیفه دامنمائی و تربیت را حتی در ساده ترین مسائل زندگی فرزندان خود انجام دهند بپسند و آن بدمیگویند و از دیگران توقع دارند .

بیشتر اکثریت قریب با اتفاقی جوانان آمادگی کامل برای همه گونه اصلاح و تربیت دارند این مریبان فاسد اجتماعی و خانوادگی هستند که آنها را به آنچنان راههای بدبختی سوق میدهند